

● **۷۰۰ هزار تومان، خط فلاکت زندگی است**

نه خط فقر

زندگی ای که محسن از روزگار خانواده اش روایت می کند، در تعبیر دکتر حسین اکبری به عنوان جامعه شناس، بخور و نمیر و خط فلاکت زندگی است، نه خط فقر. این عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد تعیین خط فقر ۷۰۰ هزار تومانی را آمارمدیریتی می داند، نه آمار علمی. به گفته وی، این میزان درآمد برای یک خانواده، خط بقا و زنده ماندن را تأمین می کند، نه هزینه‌های یک زندگی معمولی را که نیازمند خوراک، پوشاک، تحصیل، درمان، تفریح، حمل و نقل و سایر ملزومات است.

هفته‌ای یک بار به خانه می روم تاپول کرایه ندهم

تعبیر خط فلاکت زندگی با درآمد ۷۰۰ هزار تومانی را در روایت زندگی محمدرضا، جوان ۳۰ ساله ساکن مشهد می‌یابیم. او کارگر یکی از نانوائی‌های محدوده خواجه ربیع مشهد است که فقط هفته‌ای یک‌بار به خانه‌اش می‌رود. می‌گوید: خانه‌ام در خیابان امام هادی است و هزینه رفت و آمدم روزی چهار هزار تومان می‌شود. سر جمع آن در یک ماه ۱۲۰ هزار تومان می‌شود که تر جیح می‌دهم شب‌ها در نانوائی بخوابم تا این هزینه را به زخم دیگری از زندگی‌ام بزنم. کل زمانی که در طول یک‌ماه، زن و بچه‌ام را می‌بینم کمتر از چهار شبانه‌روز است. بچه‌ها بهانه می‌گیرند و گاهی مادرشان هم کلافه‌می‌شود، اما چه می‌دانند که من برای سیر کردن شکم آن‌ها درد دوری و شب‌های تهیابی در نانوائی را به جان خریدم‌ام. سخت‌تر از همه این است که یک مرد نتواند بالای سر زن و بچه‌اش باشد، آن هم در یک شهر و فاصله‌ای کمتر از نیم ساعت.

اگر زور هزینه‌های واجب زندگی نباشد، یک شب هم زندگی در نانوائی قابل تحمل نیست. اما درآمد فقط یک میلیون تومان است که ۴۵۰ هزار تومان‌ش را برای اجاره خانه می‌دهم. با دو فرزند قد و نیم قد، خیلی موقع‌ها پول دکتر هم پیدا نمی‌کنیم که برای یک سرماخوردگی خرج کنیم. از تفریح و سفر سخن به میان می‌آورم. پاسخش آهی است که از ته دل می‌کشد و می‌گوید: دل‌تان خوش است! مسافرتان کجا بود؟ با کد ما پول و ماشین؟ در خرج واجبات زندگی مانده‌ایم، تفریح بماند. با زن و بچه‌ام تا طریقه‌وشاندنیز هم نرفته‌ایم، چه برسد به خارج از مشهد.

● **هیچ وقت شکم سیر بچه‌هایم را نمی‌بینم**

ملیحه سرپرست خانواری چهار نفره است. مثل محمدرضا شب‌ها در محل کارش نمی‌خوابد، اما او هم از درد دوری فرزندانش به دلیل کار می‌گوید. ملیحه در یکی از کارخانه‌های شهرک صنعتی مشهد کار می‌کند. هر روز ساعت پنج و ۳۰ دقیقه صبح از خانه بیرون می‌زند تا روز کاری‌اش را که ۱۲ تا ۱۴ ساعت است، بگذراند. به قول خودش جنازه‌اش به خانه می‌رسد و با این حال پایش به خانه نرسیده، باید به فکر غذای بچه‌ها باشد. فاصله چند ساعت تا زمان خواب بچه‌ها را با پای اجاق گاز و ظرفشویی و یا مشغول تمیز کردن خانه است. جمله‌های آخرش با بغض درهم می‌شوند: هیچ وقت شکم سیر بچه‌هایم را نمی‌بینم. هر چقدر می‌دویم، حتی شکمشان را هم نمی‌توانم درست و حسایی سیر کنم. شوهرم معتاد بود و چند سالی است که هیچ خبری از او نداریم. بار زندگی روی دوش خودم است. با این خرج و مخارج در مانده‌ام.

از حقوقش می‌پرسم. مطابق قانون کار است. می‌گوید: ماهی یک میلیون تومان می‌گیرم و اجاره خانه‌ام ۴۰۰ هزار تومان است. پول قبض‌ها را هم که می‌دهد؛ به نظر شما با ۶۰۰ هزار تومان در ماه می‌شود هم غذای خوبی خورد، هم هزینه مدرسه بچه‌ها را داد، هم لباس خرید و هم دکتر رفت؟ سالی دو بار بیشتر نمی‌توانم برای بچه‌هایم لباس بخرم. یک‌بار زمستان، یک‌بار تابستان. همین اول مهر کاپشن، کیف و کفش و یک دست لباس بچه‌ها با معمولی‌ترین جنس، هر کدامشان ۲۵۰ هزار تومان شد. بچه‌هایم خیلی وقت‌ها نوبی تلویزیون یا بین بچه‌های مدرسه ظاهر دیگران را می‌بینند و هزار خواسته دارند. کوچک‌ترین چیزها، برایشان آرزو شده است.

● **یک میلیون و ۸۰۰ هزار تومان، خط فقر**

کارگری

درماندگی این کارگر خانم و قشر زیادی از کارگران دیگر جامعه در هزینه‌های درمان، تحصیل، تفریح، پوشاک و… انتقادی است که از زبان نماینده و فعال صنف کارگری هم بیان می‌شود. رحمت‌ا... پورموسی شکاف بین دستمزد کارگران با هزینه‌های حداقلی زندگی را چند برابر دانسته و می‌گوید: با تحقیقات

گزارش



تصویر: ایلنا

روایتی از تعیین خط فقر ۷۰۰ هزار تومانی

خط بقا

- پور موسی، فعال صنف کارگری: با تحقیقات میدانی و بررسی‌هایی که از زندگی کارگران در مشهد داشتیم، خط فقر برای این قشر را رقم یک میلیون و ۸۰۰ هزار تومان برآورد کردیم**
- دکتر چشمی، اقتصاددان: با این رقم، فقط می‌توان سرپناه و چیزی برای خوردن در حد زنده ماندن داشت. شبیه زندگی‌هایی که از فقر مطلق در دنیا به نام زندگی‌های یک دلاری شناخته می‌شوند**
- دکتر اکبری، جامعه‌شناس: حدود ۳۳ درصد شهروندان مشهدی اعلام کرده‌اند اصلا، یا به میزان کافی نمی‌توانند پوشاک و خوراک خود را تأمین کنند، حتی در طول یک روز، یک وعده غذایی ثابت هم ندارند**
- محدثه شوشتری** – اعلام خط فقر ۷۰۰ هزار تومانی، معادله عجیب و غریبی در وضعیت معیشت مردم بود که چند هفته پیش رسانه‌ای شد. اینکه با کدام فرمول و جدول ضرب، هزینه خوراک، پوشاک، مسکن، تحصیل، تفریح و درمان یک خانوار چهار یا پنج نفره، ۷۰۰ هزار تومان برآورد شده، بحث مهمی است که اساس این رقم را زیر سوال می‌برد. البته معاون رفاه اجتماعی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به عنوان منبع اعلام خبر، پاسخ این سوال را خیلی قاطعانه داده است: «برای رسیدن به رقم

میدانی و بررسی‌هایی که از زندگی کارگران در مشهد

● داشتیم، خط فقر برای این قشر را رقم یک میلیون و

۸۰۰ هزار تومان برآورد کردیم. این در حالی است که

دریافتی کارگران حتی با مبنای قانون کار، خیلی کمتر از این مبلغ است.

وی که در کارنامه کاری خود مسئولیت دبیرکلی

کانون شوراهای اسلامی کار کشور را هم داشته است، وضعیت معیشت را در کنار امنیت شغلی، دو معضل اساسی قشر گسترده‌ای از جامعه ذکر می‌کند.

به گفته وی، کارگران چون بیشتر از جسمشان کار می‌کنند و فعالیتشان پشت‌میزی نیست، به میزان کاری بیشتری نیاز دارند تا توان جسمی لازم را برای کار داشته باشند. در عین حال دستمزد پایین آن‌ها نه تنها کفاف خوراک مورد نیاز مثل تأمین گوشت و ماهی و… را نمی‌دهد، بلکه در صورت بیماری، توان پرداخت هزینه‌های کمرشکن درمان را هم ندارند.

پورموسی به ساعت کاری بالا و غیر استاندارد کارگران هم اشاره می‌کند و می‌گوید: کارگر نباید بیشتر از هفت ساعت و ۲۰ دقیقه کار کند، اما کارگر در جامعه ما در یک شغل ۱۰ ساعت و حتی بیشتر مشغول به کار است، حتی کارگرهایی که در یک کار هفت ساعت و ۲۰ دقیقه کار می‌کنند، چون دستمزدهشان کفاف زندگی رانمی‌دهد، بقیه روز را در کار دیگری فعالیت می‌کنند. این مسئله هم به کیفیت کار آن‌ها و هم به خودشان ضربه می‌زند. توان جسمی این کارگران به مرور زمان پایین می‌آید. دردمندی آن‌ها زودتر از سنشان شروع می‌شود و همه این‌ها در حالی است که نه درآمد کافی برای خوراک و بهبود اوضاع زندگی دارند و نه پولی برای

فقر ملی، فرمول مشخصی را مدنظر قرار داده ایم که از حاصل ضرب هزینه‌های هر خانواده ۵ تا ۵ نفره به دست می‌آید.» با یک حساب سرانگشتی اگر این رقم ۷۰۰ هزار تومانی را برای خانواده پنج نفره در نظر بگیریم، سهم هر فرد روزانه تقریباً ۴ هزار و ۶۰۰ تومان وماهیانه ۱۴۰ هزار تومان می‌شود. رقمی که احتمالاً هر فرد با آن فقط بتواند جای خوابش را تأمین کند و البته معاون رفاه اجتماعی وزارت تعاون، کار و رفاه ای افراد گوشه و کنار شهرمان بدانیم، محسن ۲۶ ساله یکی از آن‌هاست. رکود در ساخت و ساز، سفره این

بخش زیادی از جامعه زیر این خط قرار خواهند گرفت. در این صورت، وظیفه دولت‌ها سنگین‌تر و مطالبه از آن‌ها بیشتر می‌شود. بنابراین رقم خط فقر اعلام شده معمولاً غیر واقعی و غیر علمی است و با شرایط زندگی مردم در جامعه تناسبی ندارد.

● **تعیین خط فقر به شیوه زندگی‌های یک دلاری**
این کارشناس حوزه اقتصاد با اشاره به آمار حدود ۱۰ میلیون نفری از افرادی که در کل کشور زیر پوشش نهادهای حمایتی و خیریه مثل بهزیستی و کمیته امداد هستند، بیان می‌کند: مجموعه‌هایی نظیر کمیته امداد در مجموعه دولت نیستند که دولت‌مردان بتوانند از این طریق به وظیفه خود عمل کنند. در واقع دولت به بودجه‌ای که به نهادی نظیر کمیته امداد بدهد، نمی‌تواند نظارتی داشته باشد. فقط سازمان بهزیستی می‌ماند که ماوریتش در حوزه آسیب‌دیدگان اجتماعی و معلولان است. در این شرایط اگر رقم خط فقر واقعی اعلام شود، بیشتر افراد جامعه مطالبه حمایت از سوی این نهاد‌ها را خواهند داشت.

چشمی در خصوص خط فقر ۷۰۰ هزار تومانی برای یک خانواده چند نفری به این نکته هم تأکید می‌کند که با این رقم، فقط می‌توان سرپناه و چیزی برای خوردن در حد زنده ماندن داشت. شبیه زندگی‌هایی که از فقر مطلق در دنیا به نام زندگی‌های یک دلاری شناخته می‌شوند. اینکه اگر هر فرد، یک دلار در روز کسب کند، زنده مانده است. تعیین مبلغ ۷۰۰ هزار تومان برای خط فقر را هم ظاهراً با همین شیوه

از افراد دیگر جامعه هم هست. اینکه گرمیم کردن چند دندان، هزینه میلیونی دارد و از خیر آن گذشته‌اند. در همین بحث دکتر اکبری جامعه‌شناس، به آمار پژوهشی اشاره می‌کند که برپایه آن بیش از ۵۵ درصد مردم توان استفاده از خدمات مناسب بهداشتی و خدمات دندان پزشکی را ندارند. این آمار در پژوهشی با عنوان «شناسایی آسیب‌ها و ناپه‌نجاری‌های شهری به تفکیک محلات مشهد» آمده است. پژوهشی که سال گذشته از سوی هسته پژوهشی مطالعات اجتماعی دانشگاه فردوسی تهیه شد. دکتر اکبری، مجری این پژوهش در خصوص نتایج مرتبط با فقر شهری به این نکته هم اشاره می‌کند که حدود ۳۲ درصد شهروندان مشهدی در این پژوهش اعلام کرده‌اند اصلا، یا به میزان کافی نمی‌توانند پوشاک و خوراک خود را تأمین کنند. حتی در طول یک روز، یک وعده غذایی ثابت هم ندارند و برای سیر کردن شکم خود سختی می‌کشند.

● **نیمی از شهر وندان مشهد، درآمد یک میلیونی دارند**

این جامعه شناس به بحث میزان درآمد شهروندان مشهدی هم اشاره کرده و می‌گوید: بین ۵۰ تا ۶۰ درصد شهروندان، درآمد ماهیانه خود را یک میلیون تومان یا کمتر از یک میلیون تومان اعلام کردند. در واقع بیش از نیمی از مردم مشهد در رده درآمد خط فقر نسبی یا مطلق قرار دارند. دکتر اکبری به آمار دیگری از این پژوهش اشاره می‌کند که حکایت از نابرابری شدید اجتماعی دارد. در این آمار، شکاف بین دهک‌های پایین و بالا در شهر مشهد بین ۱۹ تا ۲۰ برابر است. یعنی درآمد یک خانواده در دهک بالا ۲۰ برابر یک خانواده در دهک پایین است.

● **چرخش زندگی یک خانواده با ۷۰۰ هزار تومان، چوک است**

این اختلاف طبقاتی را در گفت‌وگوی میدانی با مردم مشهد در نقاط مختلف شهر می‌بینیم. شهروندی در یکی از نقاط پر خوردار شهر، از درآمد ماهیانه پنج تا شش میلیون تومانی راضی نیست! دغدغه‌اش کیفیت پایین خودروی داخلی‌اش است یا کیفیت اجناسی که می‌خرد. در صحبت از پوشاک، دغدغه‌اش پرند تقلبی یا اصلی است. در بحث خوراک، از تاز ریخته و بالا رفتن درصد هورمون موجود در غذا سخن به میان می‌آورد. بحث تفریح و سفر که پیش می‌آید، از تأخیر هواپیما و بسته‌های گردشگری ضعیف می‌گوید. دنیایی که با دنیای آدم‌های آن طرف شهر فاصله‌ای بعید دارد.

۷۰۰ هزار تومان در ماه برای اداره یک خانواده پنج نفره برای آن‌ها در حد یک چوک است. اعلام شدن این ارقام را مثل آمارهای غیر علمی دیگری می‌دانند که مسئولان روی هوا حساب و کتاب کرده‌اند، نه با در نظر گرفتن اوضاع زندگی مردم و نمی‌خواهند وضعیت بد را علنی اعلام کنند.

این بحث را دکتر اکبری از جنبه جامعه‌شناسی این‌گونه تحلیل می‌کند: دولت‌ها برای اینکه اعلام میزان فقر واقعی شائبه سیاسی، بین‌المللی و داخلی دارد، سعی می‌کنند رقم پایین‌تری از واقعیت اعلام کنند. یکی از سیستم‌هایی که در امور بین‌الملل در مورد کشورها قضاوت و ارزیابی می‌شود، همین شاخص خط فقر است. ایران از ۱۰ سال گذشته به

محاسبه کرده‌اند.

وی ادامه می‌دهد: به ازای هر فرد خانواده ۵ نفری، روزانه چهار هزار و ۶۰۰ تومان در نظر گرفته‌اند که سر جمع آن در ماه حدود ۷۰۰ هزار تومان می‌شود. با این رقم چیزی شبیه زندگی هم نمی‌توان داشت.

این دقیقاً جمله‌ای است که حامد، کاسب محله ابوطالب از شرح زندگی خانواده‌اش به خبرنگار ما می‌گوید. شغلش خیاطی بوده، اما چند سالی می‌شود که با پهن شدن بساط اجناس ارزان چین، بازار تولیدش کساد شده است. به قول خودش زمانی خیاط‌ها وقت برای سر خاراندن نداشتند، حالا از بیکاری دنبال شغل عوض کردن افتاده‌اند. می‌گوید: تعداد سفارش‌هایم در ماه به اندازه درآمدن اجاره مغازه و بخور نمیر زندگی است. اجاره خانه‌ام هم عقب افتاده و هر ماه از خرج شکم می‌زنیم تا به خرج‌های دیگر برسیم.

از هزینه‌های درمان می‌پرسم. لیختندش را زود محو می‌کند تا دندان‌های خرابش به چشم نیایند. از درد دندان‌های خراب که شب‌ها خواب را به چشمش حرام کرده، ناله می‌کند: تا حالا دندان پزشکی رفتید؟ یک دندان پر کردن به اندازه کل درآمد یک ماهم است. آخر چطور از شر این دردهای لعنتی خلاص شوم. می‌گویند دندان روی جگر بگذارید، اما امثال من دندان روی دردمی گذاریم.

● **۳۳ درصد شهروندان مشهدی یک وعده غذایی ثابت ندارند**
روایت زندگی این خیاط‌با دارد دندان، درد زندگی خیلی



الگوی تغذیه در ایران برای هر فرد بر اساس تعیین وزارت بهداشت در یک ماه

مواد غذایی	وزن	هزینه حداقلی
تخم مرغ	۷۵۰ گرم	۶ هزار تومان
شیر	۲ کیلو	۶ هزار تومان
ماست	۳ کیلو	۱۱ هزار تومان
پنیر	۶۰۰ گرم	۵ هزار تومان
سبزیجات	۹ کیلو	۱۵ هزار تومان
میوه	۱۰ کیلو	۳۰ هزار تومان
جمع هزینه‌ها برای هر نفر		۱۸۳ هزار تومان
جمع برای خانواده ۵ نفره		۹۱۵ هزار تومان

الگوی تغذیه در ایران برای هر فرد بر اساس تعیین وزارت بهداشت در یک ماه

مواد غذایی	وزن	هزینه حداقلی
نان معمولی	۸ کیلو	۲۰ هزار تومان
برنج معمولی	۳ کیلو	۲۰ هزار تومان
حبوبات	۹۰۰ گرم	۸ هزار تومان
قندوشکر	۱۲۰۰ گرم	۴ هزار تومان
روغن	۷۵۰ گرم	۵ هزار تومان
گوشت قرمز	۹۰۰ گرم	۴۰ هزار تومان
گوشت مرغ	۷۵۰ گرم	۵ هزار تومان
گوشت ماهی	۶۰۰ گرم	۸ هزار تومان

